



## اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای علی اکبر دهقانی

## مقدمه

واضع با قرین کردن لفظ و معنا میان آن دو ارتباط نزدیک و قوی ایجاد می‌کند و این رابطه موجب می‌شود تصور یکی، تصور دیگری را به دنبال داشته باشد. از این رو واضع ناچار است علاوه بر تصور معنا در وضع، لفظ را نیز به هنگام وضع در ذهن حاضر نماید. همان‌طور که حاکم باید حکم مورد نظر برای جعل را به هنگام جعل در ذهن احضار کند. در این درس پس از این‌که از چگونگی تصور لفظ سخن گفتیم، به بررسی معنای مجازی و نحوه پیدایش آن می‌پردازیم و از این راه، مواضع دلالت لفظ بر هر یک از معنای حقیقی و مجازی را تبیین می‌کنیم.

## متن درس

توقف الوضع على تصور اللفظ:

كما يتوقف الوضع على تصور المعنى كذلك يتوقف على تصور اللفظ، اما بنفسه فيسمى الوضع شخصياً، و اما بعنوان مشير إليه فيسمى الوضع نوعياً. و مثال الأول: وضع أسماء الأجناس، و مثال الثاني: وضع الهيئة المحفوظة في ضمن كل أسماء الفاعلين لمعنى هيئة اسم الفاعل، فان الهيئة لما كانت لا تنفصل في مقام التصور عن المادة و كان من الصعب إحضار تمام المواد عند وضع اسم الفاعل، اعتاد الواضع ان يحضر الهيئة في ضمن مادة معينة كفاعل، و يضع كل ما كان على هذه الوتيرة للمعنى الفلاني فيكون الوضع نوعياً.

المجاز:

يكتسب اللفظ بسبب وضعه للمعنى الحقيقي صلاحية الدلالة على المعنى الحقيقي من أجل الاقتران الخاص بينهما، كما يكتسب صلاحية الدلالة على كل معنى مقترن بالمعنى الحقيقي اقتراناً خاصاً كالمعاني المجازية المشابهة، غير انها صلاحية بدرجة أضعف، لأنها تقوم على أساس مجموع اقترانين، و مع اقتران اللفظ بالقرينة على المعنى المجازي تصبح هذه الصلاحية فعلية و يكون اللفظ دالاً فعلاً على المعنى المجازي.

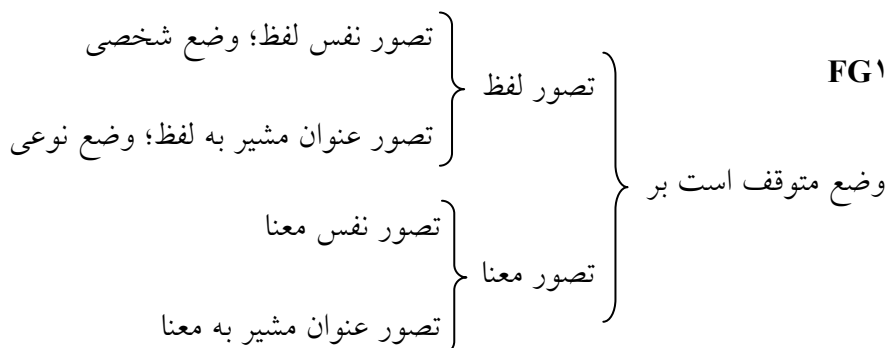
و اما في حالة عدم وجود القرينة فالذى ينسب إلى الذهن من اللفظ تصور المعنى الموضوع له، و من هنا يقال إن ظهور الكلام في مرحلة المدلول التصوري يتعلق بالمعنى الموضوع له دائماً بمعنى انه هو الذى تأتى صورته إلى الذهن بمجرد سماع اللفظ دون المعنى المجازي.

## لزوم تصور لفظ به هنگام وضع

در درس‌های پیش‌گفته بیان شد که واضع به مانند حاکم است و باید به هنگام وضع، طرفین وضع یعنی لفظ و معنا را در ذهن حاضر کند. از تصور معنا و اقسام و چگونگی آن سخن گفتیم. و بیان کردیم که تصور معنا به دو صورت ممکن است: احضار نفس معنا و احضار عنوانی که منطبق و مشیر به معنای موضوع‌له باشد. این دو صورت در احضار لفظ نیز وجود دارد و همان‌گونه که واضع می‌تواند خود لفظ را به ذهن آورد، می‌تواند عنوان عامی را تصور نماید و بدین وسیله لفظ را در ذهن حاضر نماید.

در صورت تصور نفس لفظ، به وضع «وضع شخصی» گفته می‌شود. مانند وضع اسامی اجناس و اعلام شخصی. وقتی واضع می‌خواهد لفظ «انسان» را برای ماهیت انسان جعل کند، نفس لفظ «انسان» را تصور می‌کند یا هنگامی که پدر می‌خواهد نام فرزندش را «زید» بگذارد خود لفظ «زید» را در ذهن حاضر می‌کند.

وضع را در صورت تصور عنوان منطبق و مشیر به لفظ «وضع نوعی» نامند. این وضع در مواردی اتفاق می‌افتد که تصور خود لفظ ممکن نباشد، از این‌رو واضع چاره‌ای جز تصور یک عنوان مشیر به لفظ مورد نظر نداشته و از این راه لفظ را تصور می‌کند. در تمام هیئات مانند هیئت اسم مفعول و هیئت اسم فاعل، وضع، نوعی است؛ زیرا تصور هیئت بدون ماده ممکن نیست و تصور همه موادی که هیئت در قالب آن در می‌آید بسیار دشوار، بلکه محال است؛ از این‌رو واضع، هیئت اسم فاعل را ضمن ماده‌ای خاص مانند «فاعل» تصور می‌کند و هر آن‌چه که بر این وضع می‌آید را برای معنای «من صدر عنه الفعل» وضع می‌کند.



## تطبیق

توقف الوضع علی تصور اللفظ:

كما يتوقف الوضع علی تصور المعنی كذلك يتوقف علی تصور اللفظ، اما بنفسه فیسمی الوضع شخصياً، و اما بعنوان مشیر إلیه فیسمی الوضع نوعياً.

توقف وضع بر تصور لفظ

همان‌طور که وضع بر تصور معنا متوقف است، هم‌چنین بر تصور لفظ متوقف است. تصور لفظ، یا بعینه که در این صورت وضع «شخصی» نامیده می‌شود و یا با عنوانی مشیر به لفظ که وضع در این صورت «نوعی» نامیده می‌شود.

و مثال الأول: وضع أسماء الأجناس، و مثال الثاني: وضع الهيئة المحفوظة في ضمن كل أسماء الفاعلين لمعنى هيئة اسم الفاعل،

مثال قسم اول، وضع اسامی اجناس است و مثال قسم دوم، وضع هیئتی که در ضمن تمام اسامی فاعل‌ها محفوظ است برای هیئت اسم فاعل است؛

فان الهيئة لما كانت لا تنفصل في مقام التصور عن المادة و كان من الصعب إحضار تمام المواد عند وضع اسم الفاعل، اعتاد<sup>۱</sup> الواضع ان يحضر الهيئة في ضمن مادة معينة كفاعل، و يضع كل ما كان على هذه الوتيرة<sup>۲</sup> للمعنى الفلاني فيكون الوضع نوعياً.

زیرا هیئت چون‌که در مقام تصور جدای از ماده تصور نمی‌شود و حاضر نمودن همه مواد به هنگام وضع اسم فاعل، سخت و دشوار است، واضع عادت کرده است که هیئت را در ضمن ماده‌ای مشخص مانند «فاعل» حاضر نماید و هر آنچه که بر این شیوه است را برای فلان معنا وضع کند. پس وضع در این صورت نوعی است.

Sco۱ ۹:۴۰

## مجاز

واضع با قرین نمودن لفظ و معنا میان آن دو ایجاد ارتباط می‌کند به گونه‌ای که تصور یکی، تصور دیگری را به همراه دارد. معنایی که واضع آن را موضوع‌له برای لفظ قرار می‌دهد، معنای حقیقی لفظ است و به عنوان اولین معنایی که مقارن لفظ و مرتبط با آن است شناخته می‌شود.

گاهی معنای حقیقی، مقارن و نزدیک معنایی دیگر واقع می‌گردد و با واسطه اقترانی که با معنای حقیقی دارد، با لفظ مرتبط می‌گردد. از این‌رو لفظ صلاحیت و شایستگی این را پیدا می‌کند که دو معنا را در ذهن حاضر کند؛ معنای حقیقی که اولین معنای لفظ و موضوع‌له آن است و معنای دیگری که قرین معنای حقیقی است و به آن معنای مجازی اطلاق می‌گردد. به طور مثال وقتی واضع لفظ «أسد» را برای «حيوان درنده» وضع می‌کند، «حيوان درنده» معنای حقیقی و مرتبط با لفظ أسد قرار می‌گیرد و چون که «انسان شجاع» در شجاعت شبیه «حيوان درنده» است، قرین و مرتبط با معنای لفظ «أسد» شده و با واسطه آن، معنای مرتبط و مجازی برای لفظ «أسد» قرار می‌گیرد. از این‌رو مستعمل می‌تواند لفظ «أسد» را به کار برد و هر یک از این دو معنا را اراده نماید.

معنای حقیقی با یک اقتران - که توسط واضع ایجاد می‌شود - با لفظ مرتبط می‌شود. و معنای مجازی با دو اقتران با لفظ مرتبط می‌شود: یک اقتران با معنای حقیقی و یک اقتران معنای حقیقی با لفظ. به همین سبب معنای حقیقی نسبت به معنای مجازی به لفظ نزدیک‌تر و دارای قرابت و ارتباط قوی‌تر است. از این‌رو در صورتی که مستعمل قصد تفهیم معنای مجازی را دارد، باید از قرینه صارفه استفاده نماید و بدین وسیله صلاحیت لفظ برای دلالت بر معنای مجازی را از قوه به فعل برساند. مثل این‌که بگوید «رأيت أسداً في بيتنا» و جار و مجرور را وسیله‌ای برای فعلیت رساندن معنای «رجل شجاع» در «أسد» قرار دهد.

<sup>۱</sup> جواب «لما كانت»؛ صحیح‌تر واژه «اضطر» است؛ زیرا واضع ناچار از این کار است.

<sup>۲</sup> یعنی: شیوه، نحوه.

تطبیق  
معنا  
حقیقی: معنایی که با لفظ مقترن است.  
مجازی: معنایی که با معنای حقیقی مقترن است.

المجاز: یکتسب اللفظ بسبب وضعه للمعنى الحقیقى صلاحية الدلالة على المعنى الحقیقى من أجل الاقتران الخاص<sup>۱</sup> بينهما،

مجاز: لفظ به سبب وضع شدن برای معنای حقیقی، شایستگی دلالت بر معنای حقیقی را کسب می‌کند، از جهت مقارنت ویژه میان لفظ و معنای حقیقی.

كما یکتسب صلاحية الدلالة على كل معنى مقترن بالمعنى الحقیقى اقتراناً خاصاً كالمعانی المجازیة المشابهة، غیر انها صلاحية بدرجة أضعف، لأنها تقوم على أساس مجموع اقترانین،

همان‌طور که لفظ شایستگی دلالت بر هر معنایی که مقارن و نزدیک به معنای حقیقی است کسب می‌کند، مقارنتی از نوع خاص و ویژه. مانند معانی مجازی مشابه معنای حقیقی، جز این که این صلاحیت، صلاحیتی با درجه‌ای ضعیف‌تر (از صلاحیت دلالت بر معنای حقیقی) است؛ زیرا صلاحیت لفظ برای دلالت بر معنای مقترن، براساس دو اقتران<sup>۱</sup> بر پاست.

و مع اقتران اللفظ بالقرينة على المعنى المجازى تصبح هذه الصلاحية فعلية و يكون اللفظ دالاً فعلاً على المعنى المجازى.

با اقتران لفظ به قرینه (صارفه) بر معنای مجازی این صلاحیت (لفظ برای دلالت بر معنای مجازی) فعلی می‌گردد. و لفظ بالفعل بر معنای مجازی دلالت می‌کند.

### تجرد کلام از قرینه صارفه

بیان شد که با وضع معنای حقیقی و وجود اقتران میان معنای حقیقی و مجازی، لفظ صلاحیت دلالت بر معنای مجازی را پیدا می‌کند. بدین ترتیب در صورتی که متکلم قصد تفهیم معنای مجازی را دارد، باید از قرینه صارفه استفاده کند؛ وگرنه لفظ بدون وجود قرینه بر معنای حقیقی دلالت می‌کند؛ زیرا معنایی که با شنیدن لفظ به ذهن خطور کرده و بلافاصله به ذهن می‌آید معنای حقیقی است. از همین روست که گفته می‌شود ظهور کلام در مرحله دلالت تصویری همیشه در معنای موضوع‌له آن است؛ یعنی اولین معنایی که به مجرد شنیدن لفظ در ذهن نقش می‌-

<sup>۱</sup> یعنی: اقتران لفظ به معنای حقیقی و اقتران معنای حقیقی به معنای مجازی.

بندد معنای حقیقی لفظ است. این انسباق و خطوط سریع معنای حقیقی به ذهن به جهت قرابت و نزدیکی است که معنای حقیقی با لفظ داشته و بدون هیچ واسطه‌ای با لفظ مرتبط است.

## FG۳

بدون قرینه صارفه: معنای حقیقی  
 موارد معنای حقیقی و مجازی  
 با وجود قرینه صارفه: معنای مجازی

## تطبيق

و اما فی حالة عدم وجود القرینه فالذی ینسب<sup>۱</sup> إلى الذهن من اللفظ تصور المعنی الموضوع له، اما در حالت نبود قرینه (صارفه) پس چیزی که از لفظ به ذهن خطوط می‌کند، معنای موضوع له لفظ است. و من هنا یقال إن ظهور الکلام فی مرحلة المدلول التصوری یتعلق بالمعنی الموضوع له دائماً بمعنی انه هو الذی تأتی صورته إلى الذهن بمجرد سماع اللفظ دون المعنی المجازی. از همین جاست که گفته می‌شود ظهور کلام در مرحله مدلول تصوری (یعنی مرحله انتقال ذهن از لفظ به معنا) همیشه به معنای موضوع له تعلق می‌گیرد. به این معنا که معنای موضوع له است که به محض شنیدن لفظ صورت آن به ذهن می‌آید، نه معنای مجازی.

Sc0۲ ۲۲:۲۲

<sup>۱</sup> ماده «سبق» از باب انفعال وجود ندارد و غلط رایج در کتب اصولی است.

## چکیده

۱. وضع متوقف بر تصور لفظ و معناست و هر یک به دو صورت قابل تصویرند. تصور نفس لفظ و معنا و تصور عنوان مشیر به آنها.
۲. وضع را به هنگام تصور نفس لفظ «شخصی» و به هنگام تصور عنوان مشیر به آن «نوعی» نامند.
۳. علت وجود وضع نوعی، عدم امکان تصور نفس لفظ است. همان طور که در هیئات چنین است؛ زیرا تصور هیئت بدون ماده ممکن نبوده و تصور همه مواد در هیئت مورد نظر بسیار دشوار است.
۴. معنای حقیقی، همان موضوع له لفظ است که با یک اقتران توسط واضع ایجاد می شود و به هنگام شنیدن لفظ به ذهن منسب می گردد.
۵. معنای مجازی، معنایی است که با معنای حقیقی مقترن بوده و با دو واسطه با لفظ مرتبط می گردد و با قرینه صارفه از قوه به فعل می رسد.